

مطلوب تصویری هم از روی عکس حضرت مسیح که در خانه داشتیم با مداد کشیده است. گفتم این مال کیست؟ گفت مال من است. پرسیدم از کجا آوردی؟ جواب داد خودم کشیدم... فوق العاده متعجب شدم. گفتم پس حالا که چنین است بردار ببریم پیش مظفری کتاب فروش شاید بتوانیم قبلاً این را تبدیل به احسن کنیم تا به بینیم بعد چه میشود... آقای مظفری را در کتابفروشی ملاقات کردیم و نقاشی را نشان دادیم؛ پسندید و فی المجلس به پنج تومان از ما خرید و بر سبیل تشویق و ترغیب گفت: تازگیها شخصی بنام کمال الملک «دکانی» باز کرده، بدنیست شما هم نزد او بروید... روز بعد رفتیم «دکان» کمال الملک. استاد شرایط نام نویسی را یاد آور ما شد و گفت: چون داشتن استعداد شرط اصلی ورود به کلاس نقاشی است، آقا هم باید امتحان بدهند... حسن، از روی تابلوی «مرغ و خروس» کمال الملک، مرغی را کشید که مورد پسند استاد قرار گرفت و گفت: گویا آقا پیش از اینهم نقاشی کرده‌اید. بنظر من دو یا سه سال سابقه را باید داشته باشید؟... هرچه من اصرار ورزیدم که این دومین مرتبه است که حسنعلی خان نقاشی میکند قبول نکرد... در هر حال وزیری از همان روز محیط باب طبع خودش را پیدا کرد و جداً مشغول کار شد!

مکتب کمال الملک

تربیت هنری و حتی اخلاقی خود را مرهون اوست، استاد محمد غفاری (کمال الملک) رئیس مدرسه صنایع مستظرفه میباشد. مکتب کمال الملک جایگاهی بود که نظیرش را کمتر میتوان یافت؛ در آن محیط، غنی و فقیر یکسان بودند، صفای رهبرش چنان همه را مجذوب کرده بود که خواستهای باطنی نیروی تجلی نداشت. آنقدر خلوص نیت و پاکی ضمیر در آن مقام هنری احساس میشد که هر گونه عناد و تفاخر را محلی برای ظهور نبود. همه

اندوخته‌های هنری و ادبی ملتها، دریای بیکرانه است که هر کس میتواند با تلاش خود، گوهری از ژرفای آن بیرون بکشد و به ملت خود هدیه کند. یکی از کسانی که در این دریای پهناور فروشد و دردانه‌هایی گرانبها بدست آورد و بر گنجینه ملی افزود «حسنعلی وزیری» است. این نام که بیاد آورنده پندارها و آثار پراج یک انسان واقعی و یاپنا بگفته کمال الملک «بهترین انسان» است بی شک بر دلها خواهد نشست و مایه مباهات ایرانی خواهد شد. دوران زندگی این هنرمند مشحون از نشیب و فراز است. ایام کودکی را در خانه پدرش (موسی خان وزیری که از امرای ارتش بود) تحت سرپرستی مادری دانشمند و روشنفکر سپری کرد و با معلم سرخانه درس و مشق را آغاز نمود و در مدرسه قزاقخانه پایان رسانید... محیط نظام را با طبع خود سازگار ندید، از اینرو بدون کسب رضایت مادر قزاقخانه را ترک کرد و به مدرسه دیگری رفت... شانزده ساله بود که خانه پدری را نیز بدرود گفت و به یگانه دوستش «محمد حجازی» که در آن اوقات کارمند اداره پست بود و در مجرد زندگی میکرد پیوست... از این تاریخ «حسن» دریافت که باید متکی بخویشتن باشد. علیهذا با راهنمایی حجازی (مطیع الدوله) او نیز بخدمت اداره پست درآمد.

آقای حجازی در باره چگونگی اقدام حسنعلی وزیری به نقاشی میگفت: «ما هر دو در یک خانه زندگی و در یک اداره خدمت میکردیم؛ روزی رئیس اداره سرزنشمان کرد. در خاطر من نیست، شاید این سرزنش با اهانتی هم همراه بود... فردای آن روز دیدم حسنعلی خان دلشوره اداره رفتن را ندارد. گفتم - حسن چرا حاضر نمیشوی برویم؟ گفت: مطیع، مگر ما به یکنفر که برایمان آشپزی کند و ظرفهایمان را بشوید احتیاج نداریم؟... من حاضرم این کارها را انجام بدهم ولی هرگز حاضر نیستم حرف زور و نا صواب بشنوم... آن روز حسنعلی خان در خانه ماند. وقتی مراجعت کردم، دیدم اضافه بر سهیا ساختن غذائی

(۱) در مجلس ترحیمی که بمناسبت درگذشت استاد وزیری در تالار انجمن موسیقی ملی منعقد گردید آقای حجازی مطالبی ایراد فرمودند که بخشی از آن در اینجا نقل شد.



مجسمه ادب پشاور

ابوالحسن صدیقی (استاد دانشگاه) میگفت: « ما در مکتب کمال الملک بشیوه کلاسیک کار میکردیم... در صورت سازی تقریباً عکاسی میکردیم نه نقاشی... نخستین بار حسنعلی خان وزیری با ترسیم «چهره ناظم مدرسه» سبکی را متداول کرد که تا حدودی نزدیک به شیوه امپرسیونیست میباشد و تا آن زمان در ایران سابقه نداشت...»

بعدها در این زمینه آثار دیگری بوجود آورد که از همه مهمتر چهره «بابا کشاری» است... در هر حال آقدر بذل صمیمیت و فداکاری کرد که مورد احترام و محبت مخصوص کمال الملک قرار گرفت... چندی پست معلم مدرسه و سپس بعنوان معاون صنایع مستظرفه به خدمتگزاری مشغول شد.

در سال ۱۳۰۳ هنگامیکه استاد «علیقلی وزیری» برادر ارشد هنرمند از اروپا مراجعت کرد و «کلوب موزیکال» را بنیان گذارد، حسنعلی خان نیز در آن مؤسسه کلاسی برای تعلیم نقاشی دایر کرد که دو سال دوام داشت... متأسفانه در سال ۱۳۰۵ کلوب موزیکال تعطیل شد، لیکن دو سال بعد کلنل وزیری اقدام به احیاء این مؤسسه کرد. خانه‌ای که دارای سالن‌های متعدد بود در خیابان لاله زار اجاره کرد... نخستین بار آثار حسنعلی خان در این سالن‌ها به معرض مشاهده عموم نهاده شد... چند صباحی نگذشته بود که حریق بزرگی رخ داد و در حدود یکصد تابلو از آثار او را از میان برد... بیان این واقعه برای زبان و قلم بسیار سهل است ولی تا کسی ساخته‌ای را که بارنج بسیار فراهم آورده است از دست ندهد مفهوم این از میان رفتن را درک نمیکند... با این حال حسنعلی خان با تبسمی که اراده توانا و عزم راسخ را نشان میداد برخاکستر آثار خود نگریست و از فردای آن روز به دره «گل‌سلك» پناه برد و بساختن آثار جدیدی دست زد...

استاد وزیری در اوایل سال ۱۳۱۲ از **مسافرتها، آثار** طرف وزارت فرهنگ بعنوان معاون صنایع مستظرفه ایران جهت معرفی آثار خود مسافرتی به آمریکا و اروپا کرد. در آمریکا نمایشگاهی

(۱) از سخنرانی آقای صدیقی در جلسه نامبرده منعقد در انجمن

موسیقی ملی.

از آثار خود ترتیب داد که موفقیت شایان توجهی کسب کرد و مورد تمجید و تحسین هنرشناسان قرار گرفت. تابلوی «برادر من» و «پرنده مازندران» و چند تابلو دیگر او از بهترین آثار وی شناخته شدند... مؤسسه «پاورز ریپرو-داکشن کورپوریشن» نیویورک چند هزار نسخه از «پرنده مازندران» را بر صدر شرحی بدین مضمون چاپ و منتشر کرد: «افتخاری است برای ما که اثر خارق العاده‌ای مانند اثر فوق را انتشار میدهیم، و از نقاش آن سپاسگزاریم که اجازه چاپ و انتشار آنرا بما داده‌اند... حسن، معاون اداره کل صنایع مستظرفه ایران در اینجاست تا هنرش را بملت آمریکا بشناساند... او با خود آثاری بدیع از دور نماها

و تصویرها که در یک ربع قرن فراهم کرده آورده است... این نخستین بار است که یک نقاش عالیقدر ایرانی قصد کرده است کشورش را بقاره امریکا معرفی کند... نمایشگاه آثار حسن در نیویورک بزودی جای مناسبی برای خود تحصیل خواهد کرد و قریباً درباره او مقالاتی مفصل منتشر خواهد شد... اثری را که در این صفحه مشاهده میکنید یکی از کارهای جدی حسن است که این مؤسسه بافتخار چاپ و انتشار آن نایل آمده است.

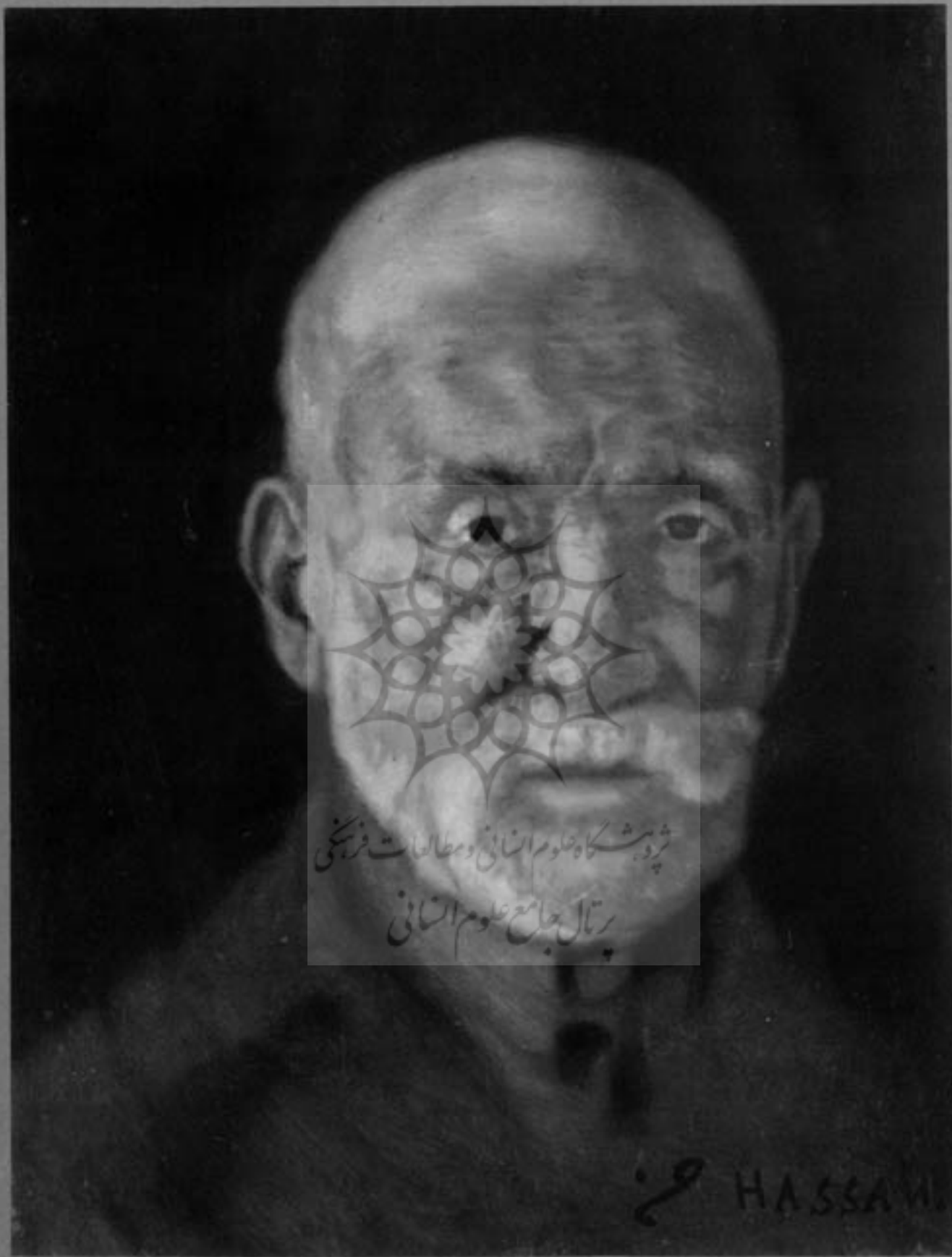
آثار وزیری در سورزه «روریچ» Roerich Museum نیویورک بمعرض نمایش نهاده شد... روزنامه «نیویورک تایمز» در شماره یازده نوامبر سال ۱۹۳۴ خود نوشت: «... روح شرقی در اصل موضوع، و تکنیک و روش غربی در آثار این هنرمند ایرانی به نیکوئی دیده میشود... روشنائی قابل ملاحظه ای در دور نماهای او بچشم میخورد... گاهگاه بر خورد مطبوعی بیک رنگ آمیزی ویژه میکنیم که از نظر یک امر یکنائی بدیع و غیر معمول است... در طرح تواناست و از این جهت کاملاً برجسته است.»

وزیری در طالار «نهرن دوف» آلمان نیز نمایشگاهی از آثار خود ترتیب داد. روزنامه معروف «برلینر تاجه بلات» در این مورد نوشت: «حسنعلی وزیر نقاشی است که تکنیک کارش از تحصیل او در اروپا حکایت میکند... یک امپرسیونیسم ملایم بمنظره های او که در آفتاب شدید ایران نقاشی شده اند روح مخصوصی میبخشد... برخی از موضوعها مانند آنستکه از مناظر آلمان گرفته شده اند مانند «چرا بربل جوی». این آثار، بسیار ظریف و درخشاند و بخوبی نشان میدهند که قلم به نرسمی بر آنها لغزیده است از این رو، شخص کارهای «پل بام» را بنظر میآورد... حسنعلی وزیر نقاشی است با تجربه که پشتکار صبورانه و توجه دقیق و ریزه کاری از خصوصیات اوست. کارهایش فوق العاده تمیز و پاک است و این نکته تقدس او را در برابر طبیعت میزساند و ما را بیاد رمانتیسیم آلمان میاندازد. رنگهای دلنواز آثارش گاهی حسن زیباپرستی را در بیننده بر میانگیزد...»

در لندن نیز در محل سفارت ایران آثار این استاد

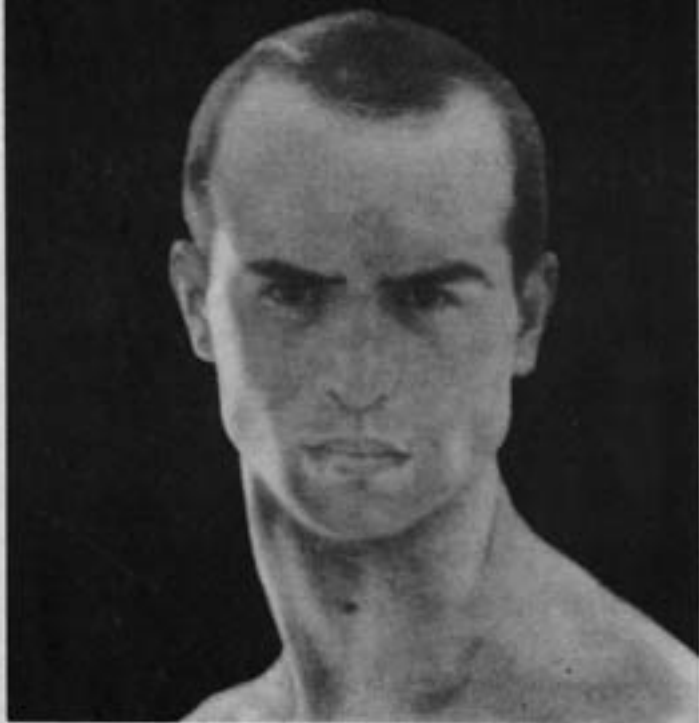
بمعرض مشاهده عموم نهاده شد. روزنامه «تایمز» در تاریخ بیست و دوم آوریل ۱۹۳۵ چنین نوشت: «آقای حسین علا سفیر کبیر ایران و بانو از عده ای دعوت کردند تا در نمایشگاه نقاشی مناظر ایران و موضوعهای دیگر بیک هنرمند جوان ایرانی بنام حسنعلی وزیر شرکت کنند... در این نمایشگاه در حدود هفتاد تابلو بمعرض نمایش گذارده شده بود... ابتکار و نوپهوری این آثار از آن جهت است که بندرت مشاهده گشته است در کاریک هنرمند شرقی روش های غربی تا این اندازه کامل احساس و مراعات شده باشد. نکته قابل توجه اینستکه آقای وزیر تمام عمر خود را در ایران گذرانده و این نخستین بار است که از اروپا دیدار میکند... در آثار وزیر مطلقاً از خامی رنگ آمیزی که معمولاً در نقاشی روغنی شرقیها موجود میباشد دیده نمیشود و شخص نا آگاه در برخورد با دور نماهای او می پندارد در برابر آثاری از یک هنرمند ایتالیائی مانند «جیوانی کستا» قرار گرفته است... آقای وزیر معمولاً در یک مایه روشن کار میکند و تسلط قابل ملاحظه ای در تجسم هوا و ارتباط فضاها بوسیله آمیختن رنگها دارد. این توانائی و چیره دستی بویژه در آثاری که از مناظر لم بزرع و ناهموار و کوهستانی فلات ایران ترسیم کرده است به نیکوئی هویدا است... در برابر این آثار، تابلو هائی هم از طبیعت سرسبز مازندران دارد که بی شباهت به برخی از نقاط انگلستان و «ساوا» نیست... در ترسیم این موضوعها آقای وزیر هم زیبایی حرکت در طرح و هم دقت در شباهت و همچنین هم آهنگی رنگهای سبز را به وجه احسن نشان داده است. آقای وزیر در ترسیم چهره ها و تصویر اشخاص اقتدار خود را در طرح بخوبی ثابت کرده است و در اغلب آثار واجد چنان طراحی محکم و روشن است که بیننده کارهای «ورمر» ایتالیائی را بیاد میآورد...»

«در این نمایشگاه علاوه بر شایستگی ذاتی یک هنرمند، نورجدیدی بر تکامل هنر جدید ایرانی پرتو افکن میشود، و آن احیاء حسن رمانتیک هنر ایرانی است که در برخورد با روش های وابسته به نقاشی مغربزمین در مدتی کوتاه کاملاً درک شده است.»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

حسینی HASSANI



یکه صورت برادر هنرمند

و حتی اندکی گسترش بدهد. ولی آنان که کمال الملک را از زرده خاطر ساختند ویرا نیز آزر دهند. بدین مناسبت چند سالی از اجتماع کناره گرفت و فقط به هفته ای چند ساعت تدریس در هنر سرای عالی و دانشکده هنرهای زیبا اکتفا کرد... خود او در نمایشنامه «کمال الملک» مینویسد: «... از آدم تقاضا دارند بقدری لطیف و حساس باشیم که کمترین دقایق نازک طبیعت را حس کرده، مثل طبیعت بلکه بهتر روی تابلو بیاوریم. یکوقت هم میگویند اینقدر سنگ باش، سخت باش که هیچ چیز بهت اثر نکند. حالا ملاحظه فرمائید من چطور این دو طبیعت مخالف را توأم نگهدارم؟ همچو چیزی میشود؟...»

کلبه روستایی



متأسفانه از نظرات منقدان کشور شوروی در باره نمایشگاه آثار نقاشی وزیرری در مسکو بی اطلاع هستیم. اما روزنامه «دوست ایران» در شماره ۱۷ مارس سال ۱۹۴۶ خود در باره نمایشگاه آثار هنرمندان ایرانی که در کاخ والاحضرت شاهپور غلامرضا تشکیل شد بقلم «ماکارف» چنین مینویسد «... از آثار نقاشی حسنعلی وزیرری زیبایی و تجربه زیاد وی را هر کس احساس میکند، اواز تظاهر خارجی اجتناب مینماید و زوائد را انداخته در پی اصل و حقیقت میباشد؛ او نقاش تکمیل شده ای است و هنروی وسیع است؛ وی مانند نقاشی در هنر مینیاتور و معماری و مجسمه سازی نیز مهارت دارد. مخصوصاً مجسمه «پیرمرد» که در معرض نمایش است بسیار زیباست...» - رئیس هیئت هنری شوروی طی یک سخنرانی در تهران عقیده خود را چنین ابراز داشت: «وزیرری چنان شیدای طبیعت گشته است که دیگر به چیزی توجه ندارد.» این سخن در عین حال که مفهوم عمیقی دارد مبین بی اعتنائی هنرمند به اجتماع نیز میباشد، به بیان واضح تر میخواهد تصریح کند که: حسنعلی وزیرری چنان غرق در طبیعت است که جز طبیعت چیزی نمی بیند و به محیط و اجتماع خود توجهی ندارد و به انگیزه تیره روزی و تنگدستی خود اندیشه نمی کند.

اما باید دانست که حسنعلی خان ذاتاً گوشه گیر نبود... خود او در نمایشنامه «کمال الملک» چنین ابراز عقیده میکند: «... نه اینکه من اول این مسئله را (نا متناسب بودن محیط برای پرورش هنر) تشخیص نداده باشم. برایم مسلم بود، ولی وظیفه من بود که آنچه میتوانم در این قسمت به مملکت خدمت کنم... خدا را شکر که انجام وظیفه کردم، متباعد با دیگران است... وظیفه یک وطن پرست نسبت به جهال وطنش چیست؟ آیا غیر از تربیت آنها چیز دیگری است؟ ایبناء وطن تا وقتی تربیت نشده اند ایرادی بر آنها نیست. وقتی هم تربیت شدند ازین حرکات خبط نخواهند کرد. پس یگانه علاج و تکلیف، تربیت ممنوع است و از این علاج روگردان نباید بود، زهی خوشبختی و افتخار برای اشخاصی که این علاج در دست آنها باشد...»

پس از کمال الملک، وزیرری کوشید تا کانون پر حرارتی را که او بوجود آورده بود همچنان استوار بدارد



نی زن (این مجسمه با همکاری استاد محترم آقای ابوالحسن صدیقی تهیه شده و هم اکنون در موزه هنرهای زیبا میباشد.)
ادیب پیشاوری - دکتر مصطفی ادیب - معز دیوان فکری -
علی اصغر وزیری .

از ابتکارات این هنرمند نظریه ایست بدیع درباره
ملاك اندازه گیری در نقاشی که متن آن در همین شماره
آورده شده است .

این نظریه در جراید آن روز منتشر شد و بوسیله
مسیو گدار استاد آنروز دانشکده هنرهای زیبا و مستشار
هنری اداره کل هنرهای زیبای کشور به آکادمی فرانسه
ارسال شد . اینک بر محققان و هنرپژوهان است که در این
زمینه مطالعه ای جدی بعمل بیاورند .

کتاب « کمال الملک » (که چاپ و منتشر شده است)
نمایشنامه « کمال الملک » (که به چاپ نرسیده است) طرح
آرامگاه کمال الملک (جهت آرامگاه کمال الملک طرحی بمسابقه
نهاده شد و استاد وزیری در آن شرکت کرد و طرح او مورد
قبول قرار گرفت ولی متأسفانه این طرح بمورد اجرا نهاده
نشد .) آثاری است که شاگردی حق شناس بخاطر حفظ نام
و آراء و عقاید استاد ارجمند و گرامیش برجای نهاده است .
وزیری در گوشه آنزوا هم بیکار ننشست . در سال ۱۲۹۳

(همزمان با جنگ جهانی اول و به همین مناسبت) منظومه ای
در هزار بیت بنام « پیغام آب بر خاک » گفته است به بحر
مقارب . و غیر از این دیوان حافظی منقح و پاکیزه بخط
خود فراهم آورد که از بابت اختیار الفاظ زیبا (در زمینه
اختلاف اقوال) واقعاً یگانه است . استاد حسنعلی وزیری
در روز جمعه پنجم آذر ۱۳۳۳ در جوار ثروت هنری خود
در عین تنگدستی زندگی را بدرود گفت .

کلیه آثار وزیری به پنج دسته تقسیم میشود . یک
آثار او* قسمت کارهایی است به شیوه کلاسیک که مقدار
عمده آنها در اروپا است . معدودی از این آثار در آلمان بود
که در جنگ جهانی دوم از میان رفت ، مابقی در انگلستان
و سوئد و کشورهای دیگر میباشد .

از جمله این کارها « پرندۀ مازندران » - « کشتل علیتی
وزیری » (این تابلو گویا در سفارت ایران در سوئد است)
« آشیانه وزیری »

دسته دوم - تعدادی « اتود » و کارهای غیر جدی
است که به شیوه ای نزدیک به سبک امپرسیونیست کنار
شده است . مهمترین آنها عبارتند از : مناظری از قشم - ناظم
مدرس - درخت مقدس - بابا کشاری و کلیه روستائی .

دسته سوم - آثاری است که با آب رنگ و پاستل
فراهم شده است . بر ارزش ترین این آثار تابلوی « برادر
من » است که در امریکا بهترین اثر در نوع خود شناخته
شد . این تابلو با مرکب چین و قلم (هاشور) ترسیم
گشته و از نظر سایه روشن و اجده ارزش بسیار است . در میان
کارهای با پاستل هنرمند باید تابلوهائی را که از « پارک
مرنسو » و شبهای پاریس تهیه کرده است نام برد .

دسته چهارم - تابلوهائیست که از روی آثار نقاشان
بزرگ مانند : پروچینو - رافائل - رامبران - کورو و کمال الملک
کپی کرده است .

پنجمین دسته از آثار او در زمینه مجسمه سازی است .
استاد وزیری در این رشته نیز همانقدر توانا بود که در نقاشی .
مهمترین آثار او در این مورد عبارتند از : فردوسی - کاکاسیاه
* تابلوهائی که از استاد فقید درین شماره چاپ شده همه در اختیار برادر
آن مرحوم ، آقای سرهنگ وزیری است و با اجازه ایشان چاپ شده .